



ضمایر [این]

حضور پررنگ ساخته احمد بهرامی در جشنواره‌های کشور هند

## فتح «دشت خاموش»

«الان فیلم ساختن خیلی آسان و ارزان شده و به قول آقای کیارستمی با ساده‌ترین دوربین هم می‌توان فیلم سینمایی ساخت و حتی به جشنواره و نیز هم رفت.» **این** جملات را احمد بهرامی چند ماه پیش در نشست خبری فیلمش گفته بود. فیلمی که اندکی بعد موفق به دریافت جایزه فیپرشی در جشنواره فیلم ونیز شد و انجمن مطبوعات خارجی هالیوود همین دو ماه پیش از کارگردان او دعوت کرد تا در رویدادی سه‌هفته‌ای در آمریکا شرکت کند. حالا فیلمی که به اذعان کارگردانش آسان و ارزان ساخته شده و به داستان شرایط دشوار و روابط پیچیده انسانی تعدادی خانواده کارگر در کنار هم می‌پردازد، به جشنواره‌های فیلم هند هم راه یافته و یکی پس از دیگر در آن‌ها نیز دیده می‌شود.

فیلم سینمایی «دشت خاموش» پس از حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا به جشنواره‌های فیلم چنای، پونا و یاشوانت کشور هندوستان راه‌یافت. این فیلم که تاکنون حضور موفق‌ی در جشنواره‌های معتبر جهانی داشته، به نویسندگی و کارگردانی احمد بهرامی و تهیه‌کنندگی سعید بشیری است. علی باقری، فرخ نعمتی، مهدیه نساج، مجید فرهنگی و توریچ الوند بازیگران اصلی این فیلم هستند.

فیلم دشت خاموش قرار است در چهار جشنواره بین‌المللی هند نمایش داده شود؛ بیست و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی کرالا که از ۲۴ بهمن تا اول اسفند در مرکز ایالت کرالا و چهار شهر دیگر این ایالت برگزار می‌گردد، هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللی چنای از ۳۰ بهمن تا ۷ اسفند در شهر چنای و نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی پونا هم از ۱۴ تا ۲۱ اسفند در شهر پونا برگزار می‌شوند. وجود بهترین انستیتوی سینما و تلویزیون هند و همچنین بودن مرکز آرشيو سینمای ملی هند در این شهر، باعث شده شهر پونا از مهم‌ترین مراکز سینمایی این کشور باشد. دشت خاموش سپس به بمبئی می‌رود تا در یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی یاشوانت به نمایش درآید. این فیلم علاوه بر کسب سه جایزه از جشنواره ونیز شامل تندیس شیر بهترین فیلم بخش افق‌ها، جایزه انجمن منتقدان بین‌المللی جهان (فیپرشی) و جایزه اعتماد ملی ایتالیا و کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره سابورسیو کراسوی، در جشنواره‌های استکهلم، توکیو، شب‌های سیاه تالین، سنگاپور، وایادولید اسپانیا و فلورانس ایتالیا نیز حضور داشته است.

دشت خاموش از سوی انجمن مطبوعات خارجی هالیوود (HFPA) جهت شرکت در شاخه بهترین فیلم خارجی به هفتاد و هشتمین دوره مراسم گلدن گلوب معرفی شده بودو احمد بهرامی از طرف HFPA جهت شرکت در یک دوره سه‌هفته‌ای برای آشنایی با صنعت فیلمسازی آمریکا و در ادامه ساخت فیلم به هالیوود دعوت شده است. شرکت پرشیافیلم بخش بین‌المللی فیلم را بر عهده دارد.



## انتشار ردیف میرزا عبا... با اجرای داریوش طلائی

چند روز پیش سالروز تولد داریوش طلائی بود و حالا خبر رسیده که مجموعه دو آلبوم «ردیف میرزا عبا...» با اجرای تار و سه‌تار او را انجمن موسیقی ایران منتشر و روانه بازار موسیقی کشور کرده است. آن‌طور که ایستنا نوشته هر مجموعه از دو آلبوم ردیف میرزا عبا... تا اجرای تار و سه‌تار داریوش طلائی دارای پنج سی‌دی است.

## نمایش گسترده‌تر یکی از آخرین فیلم‌های جمشید مشایخی

«اینجا هم باران می‌بارد» به کارگردانی نادر طریقت که فیلمی اکران نشده با بازی زنده‌یاد جمشید مشایخی است با پایان نمایش فیلم‌های جشنواره در شهرستان‌ها از این پس سینماهای بیشتری را در اختیار خواهد داشت. از بازی‌های آخر مشایخی در سینما، فیلم «سینما شهر قاصه» به کارگردانی کیوان علیمحمدی و علی‌اکبر حیدری نیز هنوز اکران نشده است.

کلاهبرداری یک شریان جدید باز کرد.

آتهایی که از این اظهار نظر ناراحت شده‌اند یک لحظه صبر کنند. شما از امروز تا پایان عمر فرصت دارید تا یک برگ نوشته رسمی از دیدار اندرو کارنیگی و ناپلئون هیل بیاورید که مطابق با ادا‌های آقای هیل در خصوص این دیدار باشد.

این گزارش هیچ تلاشی برای رد نظریات ناپلئون هیل ندارد، ما صرفاً یک سوال می‌پرسیم. کسی که به تمام دنیا موفقیت را در قالب کتاب می‌فروخته چه کسی بوده؟! به عبارتی ما می‌خواهیم بررسی کنیم که سهم او از موفقیتی که شما بابت آن پول پرداخت می‌کنید چقدر است. پس بیاپید تا از این خیابان تعصب عبور کنیم و به چهارراه روایات مختلف برسیم. اینجا چراغ‌های بسیاری وجود دارد و فضا از آنچه تصور می‌کنید خیلی روشن‌تر است.

### سرگذشت واقعی یک اسطوره ساختگی

اولیور ناپلئون هیل همان‌طور که در روایت رسمی بنیاد هیل معرفی شده و برای نشریات محلی نویسندگی هم می‌کرد. او در ۱۹ سالگی برای یک شرکت معدن کار می‌کرد و در یک اتفاق توانست شرکت را از یک رسوایی بد نجات دهد. او توانست یک مسؤول صندوق بانک را که در یک کافه و در حالت مستی به یک نفر دیگر شلیک کرده بود از مخمصه نجات دهد و فوراً به بانک برود و حساب‌های باز مانده و گاو صندوق قفل نشده را از گزند سرقت احتمالی نجات دهد. همین کار او باعث شد که در دل مدیر شرکت معدن که از قضا صاحب بانک نیز بود جا باز کند. هرچند نیویورک تایمز در گزارشی نوشت که او برای مدیریت بحران رشوه پرداخت کرده است و عملاً آن تیراندازی نادیده گرفته شد.

همه فکر می‌کنند که این استاد خویش خوانده سه بار ازدواج کرده، اما او پنج بار ازدواج کرد و یکی از این ازدواج‌ها ثبث نشده در مدارک بنیاد هیل که البته در روزنامه‌های رسمی همان زمان ثبت شده بود در سال ۱۹۰۳ اتفاق افتاد و تا ۱۹۰۸ دوام داشت؛ سال‌هایی که منابع خبری از او اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

دلیل اهمیت ازدواج ناپلئون هیل طلاق او بود. همسر او در دادخواست نوشت او یک مرد خشن و غیرقابل کنترل است و بارها خود او و فرزندشان را تهدید به قتل کرده است. دوستان هیل هم نسبت به خیانت‌های مکرر وی و رفت‌وآمدهای مداوم به خانه‌های بدنام شهادت دادند و دادگاه رای به طلاق داد. هرچند هیل هیچ‌وقت برای طلاق به دادگاه نرفت، چون در ماه می ۱۹۰۸ به جرم جعل چک در بازداشت به سر می‌برد!

بله، این‌ها در زندگینامه رسمی ناپلئون هیل نیست، حتی این‌که در آن سال‌ها الوار نسیمه می‌خریده و به صورت نقدی با قیمت بسیار پایین می‌فروخته هم در آن متن افتخارآمیز دیده نمی‌شود اما از هشتم سپتامبر که ناپدید شد روزنامه‌ها نوشتند او که به اکثر فروشنده‌های الوار بدهکار بود ناپدید شده و یک نگرانی عمومی ایجاد شد.

شاید فکر کنید چطور یک آدم گم می‌شود و دوباره پیدا می‌شود و آب از آب تکان نمی‌خورد اما ما در مورد صد سال قبل صحبت می‌کنیم و این اتفاق در آن دوران اصلاً عجیب نبود؛ چون در آن سال‌ها شبکه‌های اطلاعاتی منسجمی بین ایالت‌ها وجود نداشت و هیل هم با استفاده از همین خلأ‌ها ناپدید شد تا این‌که دوباره در دسامبر ۱۹۰۸ اولیور را از نام خانوادگی خود حذف کرد و سر از واشنگتن درآورد.

ناپلئون هیل مدعی است در ۱۹۰۸ کارنیگی را ملاقات کرده، در صورتی که در هیچ روایت معتبری نیست که این دو چهره یکدیگر را دیده باشند. جالب است بدانید نه تنها یک کتاب از این دیدار به

چاپ رسیده بلکه کتاب هشت‌جلدی معروف ونیز بر اساس همین دیدار نوشته شده است.

نه تنها هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند ادعا کند این ملاقات رخ داده، بلکه افرادی که به ادبیات آن دوران تسلط دارند و افرادی که کارنیگی را می‌شناختند می‌گویند این ادبیات مربوط به کارنیگی نیست و او اصلاً در این موارد حرفی نمی‌زده است. تمام این‌ها را بگذارید کنار این‌که ادای دیدار با کارنیگی سال‌ها بعد از مرگ کارنیگی مطرح می‌شود. کتابی که حاصل این دیدار است ابتدا با نام راه ثروت را بیندیشید، سپس با عنوان چطور درآمد خود را بالا ببرید و سرانجام با عنوان نقل معرفت اندرو کارنیگی توسط ناپلئون هیل به چاپ رسیده و جالب این است اگر در خصوص این دیدار جست‌وجو کنید، صفحات بسیاری حتی به زبان فارسی خواهید یافت که حرف‌های مختلفی از این دیدار بیرون آمده و البته هیچ کدام به هم ربطی ندارند.

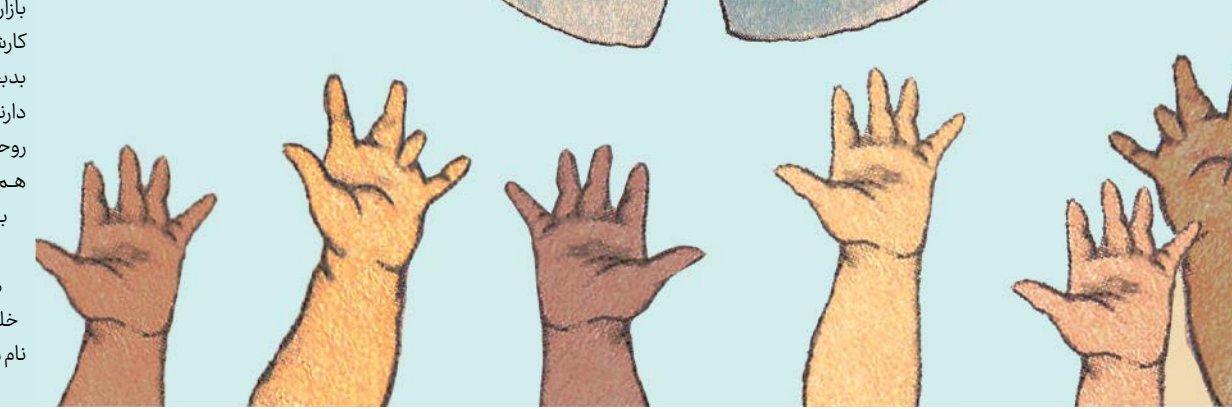
به گفته کارشناسان کل کتاب مضحک، درهم و آشفته است و بنیاد هیل در دفاع از این کتاب می‌گوید این اثر در قیمت محاوره نسبتاً ساختگی از یک دیدار نوشته شده است. دقت کنید؛ فرمت محاوره نسبتاً ساختگی از یک

دیدار در واقع بنیاد هیل می‌گوید این

دیدار واقعاً اتفاق افتاده اما هیل این دیدار را در مسیری با دخالت ایده‌های خودش شرح و بسط داده، به عبارتی بیش از ۳۰۰ صفحه حرف‌های خود را از دهان کارنیگی نوشته است.

این تنها یک گوشه از کارهای عجیب پدر و استاد کتاب‌های انگیزشی است، گفتیم که او به واشنگتن رفت اما گفتیم که یک کالج اتومبیل راه انداخت؛ در اولین گام آگهی داد می‌توانید با شش هفته آموزش متخصص بشوید و خودش شخصاً هر صبح یکشنبه با متقاضیان مصاحبه می‌کرد. گفته بودند فارغ‌التحصیل این مجموعه یعنی کسی که تا قبل از این یک ماه ونیم

هیچ تخصصی ندارد هفته‌ای ۷۵ تا ۲۰۰ دلار درآمد معادل ۵۰۰۰ دلار امروز خواهد داشت که این درآمد هم از طرف کالج نخواهد بود، بلکه خودشان این درآمد را کسب می‌کنند. شیوه کار به شکلی بود که دانشجویان در خط تولید کارخانه کارتر قرار می‌گرفتند و کار می‌کردند؛ کاری که در حین آموزش شش هفته‌ای انجام می‌شد، غافل از این‌که ناپلئون هیل علاوه بر شهریه‌ای که از آنها بابت تحصیل در این خط تولید می‌گرفت از کارخانه نیز بابت تامین نیروی انسانی پول دریافت می‌کرد. پول شهریه و پول کارخانه یک معامله دو سر برد برای ناپلئون بود. هرچند خودروهای بی‌کیفیت آن کارخانه با آن کارگران ناوارد، راهی به جز تعطیلی و ورشکستگی باقی نگذاشت. فارغ‌التحصیل‌ها هم فقط کار کرده بودند و چیزی به عنوان صنعت یا علم نیاموخته بودند اما هیل کوتاه نمی‌آید و بایک حرکت جسورانه کالج را به جای تولید خودرو به فروش خودرو اختصاص می‌دهد. همان شرکت خودروسازی از خودروهای ۲۲۵۰ دلاری خود ۴۰ دلار به دانشجویان پورسانت می‌داد، دانشجویان هم علاوه بر شهریه و پورسانتی که برای هیل به ارمان آورده بودند یک منبع درآمدی دیگر هم تامین کرده بودند. ناپلئون هیل گفته بود هر کس بابت معرفی هر دانشجو به این کالج سه دلار می‌گیرد. دقیقاً مدل شرکت‌های هرمی در صدسال قبل! هرچند، در ۱۹۱۲ کالج تعطیل می‌شود، کارخانه شکلات‌سازی و آموزشگاه موفقیت و حتی پروانه وکالت هم بدون



در نمایشگاهی شامل مدارک، متن تصویری، مکتوبات، فایل صوتی، ماکت یا روش‌های دیگر در گالری ویستا به نمایش درخواهند آمد و سرانجام هیأت داوران طرح برگزیده را در مراسم اختتامیه معرفی می‌کند. شرکت برای تمام سنین آزاد است و هر هنرمند یا گروه مجاز به ارائه یک پروپوزال هستند و سوابق کاری و نمونه آثار پیشین هنرمندان در دآوری تأثیرگذار است.

شرکت‌کنندگان باید پروپوزال‌های خود را در زمان تعیین‌شده به دبیرخانه به نشانی ایمیل [vistaart.gallery@prize۹۹](mailto:vistaart.gallery@prize۹۹) ارسال کنند. مرتضی عرب خزائیلی، برنده نخستین جایزه ویستا در سال ۱۳۹۵، پیام مفیدی برنده دومین دوره و کلتوم صالحی و حمیدرضا آزاد، برندگان مشترک دوره سوم بودند.

چهارمین دوره است. اهداف این دوره اما شناسایی و معرفی طرح‌های برتر و نوآورانه در هنر امروز ایران، اهمیت بخشیدن به نگارش طرح (پروپوزال)، ایده هنری، بیانیه هنرمند، فرآیند تولید اثر، برنامه‌ریزی اجرایی و برآورد بودجه)، تولید محتوا و انعکاس رسانه‌ای طرح‌های برتر به منظور غنی‌تر کردن محتوای اثر اعلام شده است.

مهلت دریافت پروپوزال‌ها و مدارک تا ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ است، و مانند دوره‌های گذشته ابتدا ایده‌ها و مدارک تصویری، صوتی و مکتوب که در قالب پروپوزال ارائه‌شده توسط هیأت داوران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و از برگزیدگان این مرحله برای مصاحبه و ارائه ضروری دعوت خواهد شد. در مرحله دوم، طرح‌های منتخب

## معرفی ۶ داور چهارمین جایزه ویستا

کرده و در این مسیر در سه سال اخیر مورد توجه نیز قرار گرفته است.

بر اساس این فراخوان، شرکت‌کنندگان پس از ارائه طرح و پروپوزال کتبی خویش که معیارهایی مانند درک درست از شرایط هنر امروز، ارزش‌های تنوریک، اجرایی بودن و ظرفیت‌های فرهنگی را شامل می‌شود در صورت پذیرفته شدن در فهرست منتخب، باید بتوانند طرح‌های خویش را برای اجرا توجیه کنند. موضوع در این دوره آزاد است و طرح‌های کوریتوریال نیز امکان حضور دارند.

مانند دوره‌های پیشین، اهدای نشان و لوح تقدیر ویستا به همراه وجه نقد ۳۰ میلیون ریالی (جهت اجرای طرح)، جایزه